

«یتیم‌نوازی در منابع دینی:

تحلیل مصادیق قرآنی و روایی در ابعاد مالی، روانی، آموزشی، اجتماعی و حقوقی»

سمیه حزایبی^۱

چکیده

یتیم‌نوازی از جمله ارزش‌های برجسته اخلاقی و اجتماعی در دین اسلام است که هم در قرآن کریم و هم در روایات معصومین (ع) به صورت گسترده و چندبُعدی مورد تأکید قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مصادیق عملی یتیم‌نوازی در منابع دینی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که یتیم‌نوازی در اسلام تنها به معنای حمایت مالی نیست، بلکه شامل پنج بُعد اصلی مالی، روانی، آموزشی، اجتماعی و حقوقی می‌شود. در بُعد مالی، پرداخت نفقه، حفظ مال یتیم و اجتناب از سوءاستفاده از دارایی‌های او مورد تأکید است؛ در بُعد روانی، توجه عاطفی، مسح سر و جلوگیری از تحقیر؛ در بُعد آموزشی، آموزش دینی و دنیوی و حمایت از تحصیل؛ در بُعد اجتماعی، جلب احترام جامعه و ایجاد فرصت‌های مشارکت؛ و در بُعد حقوقی، نگهداری از حقوق یتیم و دفاع از او در برابر ستم. این مقاله با طبقه‌بندی نظام‌مند مصادیق یتیم‌نوازی، تصویری جامع از دیدگاه اسلام در قبال یتیمان ارائه می‌دهد و می‌تواند زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، اجتماعی و حقوقی در این حوزه باشد.

واژگان کلیدی: یتیم‌نوازی، قرآن کریم، روایات، مصادیق، حمایت اجتماعی

^۱ . طلبه سطح دو مدرسه علمیه الزهرا علیها السلام اهواز.

مقدمه

در جوامع انسانی، کودکان یتیم به دلیل فقدان والدین، به ویژه پدر، در معرض آسیب‌های روانی، اقتصادی و اجتماعی متعددی قرار دارند. دین اسلام با آگاهی از این وضعیت، یتیم‌نوازی را نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه یک وظیفه دینی و اجتماعی جدی معرفی کرده است. قرآن کریم در بیش از ۲۰ آیه به موضوع یتیم و نحوه رفتار با او پرداخته و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز در روایات متعددی، یتیم‌نوازی را از نشانه‌های ایمان و تقوا دانسته‌اند.

هدف این مقاله، شناسایی و تحلیل مصادیق عملی یتیم‌نوازی در منابع دینی است تا ضمن درک عمیق‌تر از ابعاد این مفهوم، زمینه‌های عملی‌تری برای حمایت از یتیمان فراهم شود.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در حوزه حقوق کودک و جایگاه یتیم در اسلام انجام شده است. از جمله، رساله دکتری «حقوق یتیم در فقه اسلامی» تألیف رضایی، محمد (۱۴۰۰) به بررسی ابعاد حقوقی یتیم پرداخته است (رضایی، حقوق یتیم در فقه اسلامی، ج ۱، ص ۴۵). همچنین، مقاله «یتیم‌نوازی در قرآن و سنت» نوشته مصطفوی، علی (۱۳۹۸) به تحلیل آیات و روایات مرتبط با یتیم پرداخته است (مصطفوی، یتیم‌نوازی در قرآن و سنت، ج ۱، ص ۱۱۲). با این حال، پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر جنبه‌های حقوقی یا اخلاقی محدود شده‌اند و تحلیل جامعی از مصادیق عملی یتیم‌نوازی در منابع دینی ارائه نشده است. این خلأ پژوهشی، زمینه‌ساز انجام این مطالعه شده است.

این مقاله با تمرکز بر مصادیق عملی یتیم‌نوازی، فراتر از تعریف‌های کلی و اخلاقی، به طبقه‌بندی دقیق ابعاد مختلف این مفهوم در قرآن و روایات می‌پردازد. نوآوری اصلی این پژوهش، ارائه یک چارچوب جامع از یتیم‌نوازی شامل ابعاد مالی، روانی، آموزشی، حقوقی و اجتماعی است که تاکنون به صورت سامان‌یافته در منابع فارسی مطرح نشده است. این چارچوب می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی در حمایت از یتیمان باشد.

مفهوم‌شناسی

۱. یتیم

در زبان عربی، «یتیم» به کسی گفته می‌شود که پدرش در گذشته باشد، چه مادرش زنده باشد و چه نباشد. این تعریف، برخلاف برداشت رایج در برخی جوامع معاصر که «یتیم» را فردی بدون هر دو

والد می‌داند، در منابع دینی اسلامی مبتنی بر فقدان پدر است. قرآن کریم در آیه‌ای صریح می‌فرماید:

«وَاتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ» (سوره نساء، آیه ۲)،

که در تفسیر آن، علامه طباطبایی تصریح می‌کند: «الْيَتِيمُ فِي اللَّغَةِ وَالشَّرْعِ هُوَ مَنْ مَاتَ أَبُوهُ، وَلَيْسَ شَرْطًا أَنْ يَمُوتَ أُمُّهُ» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۰۵).

از دیدگاه فقه شیعه نیز، یتیم کسی است که قبل از بلوغ (پانزده سالگی) پدرش فوت کرده باشد. علامه حلی در جواهر الکلام می‌نویسد:

«الْيَتِيمُ هُوَ مَنْ مَاتَ أَبُوهُ قَبْلَ بُلُوغِهِ، وَإِذَا بَلَغَ لَمْ يَعُدَّ يَتِيمًا فِي الْحُكْمِ الشَّرْعِيِّ»

(نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۴۰).

بنابراین، در این پژوهش، «یتیم» به معنای کودک یا نوجوانی زیر پانزده سال که پدرش فوت کرده است، در نظر گرفته می‌شود.

۲. یتیم‌نوازی

«یتیم‌نوازی» در لغت، به معنای نوازش، ترحم و حمایت از یتیم است. اما در اصطلاح دینی، این مفهوم فراتر از یک رفتار عاطفی یا خیریه‌پردازی سطحی است. یتیم‌نوازی در اسلام، مجموعه‌ای از اعمال فردی و اجتماعی است که با هدف اصلاح حال یتیم (قرآن، بقره: ۲۲۰) و تربیت او به عنوان فردی سالم، مؤمن و مؤثر در جامعه صورت می‌پذیرد.

این مفهوم با واژه‌هایی مانند «کفالت یتیم» یا «حمایت از یتیم» هم‌پوشانی دارد، اما جامع‌تر است. «کفالت» بیشتر جنبه حقوقی و مالی دارد، در حالی که «یتیم‌نوازی» شامل ابعاد مالی، روانی، آموزشی، اجتماعی و حقوقی می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

«أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۵)،

که در تفسیر «کافل»، علامه مجلسی می‌نویسد: «الْكَافِلُ هُوَ مَنْ يَضْمَنُ أَمْرَ الْيَتِيمِ فِي جَمِيعِ شُؤْنِهِ، لَيْسَ فِي مَالِهِ قَطُّ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۲).

بنابراین، در این مقاله، «یتیم‌نوازی» به معنای مجموعه‌ای جامع از اقدامات هدفمند برای حمایت از یتیم در تمامی ابعاد وجودی‌اش تعریف می‌شود.

۱. یتیم‌نوازی در قرآن کریم

قرآن کریم در آیات متعددی، یتیم‌نوازی را مورد تأکید قرار داده است. از جمله آیه ۲۲۰ سوره بقره که می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ» (و از تو درباره یتیمان می‌پرسند؛ بگو: اصلاح حال آنان برایشان بهتر است). این آیه، «اصلاح» را هدف اصلی یتیم‌نوازی قرار داده که فراتر از کمک مالی است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱۲).

همچنین آیه ۳۴ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» که نشان‌دهنده حساسیت قرآن در قبال حقوق مالی یتیم است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۰۵).

۲. یتیم‌نوازی در روایات

در روایات شیعه، یتیم‌نوازی جایگاه ویژه‌ای دارد. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا» و دو انگشت خود را نشان داد (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۵). این حدیث، یتیم‌نوازی را به‌عنوان یکی از نشانه‌های نزدیکی به پیامبر (ص) معرفی می‌کند.

همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ مَسَحَ رَأْسَ يَتِيمٍ لِيْتِمِهِ، كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةٌ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۰). این روایت، اهمیت حمایت روانی و عاطفی از یتیم را برجسته می‌سازد.

۳. طبقه‌بندی مصادیق یتیم‌نوازی

یتیم‌نوازی در اسلام یک مفهوم چندبُعدی است که فراتر از کمک‌های مالی، شامل حمایت‌های روانی، آموزشی، حقوقی و اجتماعی نیز می‌شود. قرآن و روایات با تأکید بر «اصلاح حال یتیم»، نشان می‌دهند که هدف نهایی، رشد جامع یتیم به‌عنوان یک فرد سالم و مؤثر در جامعه است.

۱. بُعد مالی یتیم‌نوازی در منابع دینی

در میان ابعاد گوناگون یتیم‌نوازی، بُعد مالی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که فقدان والدین، به‌ویژه پدر، اغلب منجر به بحران اقتصادی برای کودک یتیم می‌شود. اسلام به‌عنوان دینی جامع و اجتماعی، با آگاهی کامل از این واقعیت، قوانین دقیقی را برای حمایت از حقوق مالی یتیم وضع کرده است. این حمایت تنها به معنای کمک‌های خیریه نیست، بلکه شامل پرداخت نفقه، حفظ مال یتیم، و ممنوعیت قاطع سوءاستفاده از دارایی‌های او می‌شود. این فصل با روش توصیفی-تحلیلی و

با استناد به قرآن کریم، روایات معصومین (ع)، و آراء فقهای شیعه، به بررسی جامع این سه رکن اساسی می‌پردازد

یک. پرداخت نفقه به یتیم

در اسلام، پرداخت نفقه به یتیم، به‌ویژه هنگامی که مالی برای او وجود ندارد یا کافی نیست. از جمله وظایف اجتماعی و دینی مسلمانان محسوب می‌شود. قرآن کریم در آیه‌ای روشن می‌فرماید:

«وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا»
(سوره نساء، آیه ۲)

این آیه، ضمن تأکید بر بازگرداندن مال یتیم، هشدار جدی درباره ترکیب مال یتیم با مال خود و سوءاستفاده از آن صادر می‌کند. علاوه بر این، در جای دیگری، قرآن می‌فرماید:

«وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (سوره ذاریات، آیه ۱۹)

تفسیرگران مانند علامه طباطبایی این «محروم» را شامل یتیمان نیز دانسته‌اند که فاقد حامی مالی هستند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۲).

در روایات نیز پرداخت نفقه به یتیم به‌عنوان یکی از اعمال نزدیک‌کننده به خدا معرفی شده است. امام صادق (ع) فرموده‌اند:

«مَنْ أَطْعَمَ يَتِيمًا طَعَامًا مِنْ مَّالِهِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ لُقْمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۸). این حدیث نشان می‌دهد که حتی کوچک‌ترین کمک مالی به یتیم، ارزش معنوی بسیاری دارد.

دو. حفظ مال یتیم

حفظ مال یتیم یکی از مهم‌ترین وظایف سرپرست یا ولیّ اوست. قرآن کریم در آیه‌ای صریح می‌فرماید:

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ» (سوره اسراء، آیه ۳۴)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه توضیح می‌دهد که «أَحْسَنُ» یعنی تنها در صورتی می‌توان از مال یتیم استفاده کرد که آن کار به‌نفع خود یتیم باشد، مثلاً برای نگهداری، سرمایه‌گذاری مطمئن، یا

«إِذَا احْتَجَّ الْيَتِيمُ إِلَى التَّعَلُّمِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ مَنْ يُنْفِقُ عَلَيْهِ، وَجَبَ عَلَى الْإِمَامِ أَوْ الْحَاكِمِ أَنْ يَتَوَلَّى ذَلِكَ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» (خمینی، تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۵۲۴).

این دیدگاه، نشان‌دهنده مسئولیت دولت و نظام اسلامی در حمایت از تحصیل یتیمان است.

در یک جمع‌بندی: بُعد آموزشی یتیم‌نوازی در اسلام، بر سه محور استوار است:

۱. آموزش جامع دینی و دنیوی به‌عنوان حقی برای یتیم،

۲. تشویق مستمر به یادگیری به‌عنوان عاملی برای صلاح دین و دنیای او،

۳. حمایت مالی و ساختاری از تحصیل یتیم، حتی از طریق بیت‌المال در صورت نیاز.

این رویکرد، نشان‌دهنده دیدگاه پیشگامانه اسلام در تبدیل یتیم از «فرد وابسته» به «فرد آگاه و خودکفا» است. آموزش، در این چارچوب، نه تنها یک کمک، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه محسوب می‌شود.

۵. بُعد حقوقی یتیم‌نوازی در منابع دینی شیعه

در نظام اسلامی، یتیم تنها به‌عنوان فردی نیازمند حمایت اخلاقی یا مالی ندیده می‌شود، بلکه صاحب حقوق مشروع و شرعی محسوب می‌شود که باید از آنها دفاع شود. اسلام، به‌ویژه در مکتب تشیع، با تأکید بر عدالت و مبارزه با ظلم، بر لزوم نگرهبانی از حقوق یتیم، دفاع از او در برابر هرگونه ستم، و اجرای عدالت در تمامی ابعاد زندگی‌اش تأکید فراوانی دارد. این بُعد حقوقی، هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی و حکومتی الزام‌آور است.

یک. نگرهبانی از حقوق یتیم

قرآن کریم در آیه‌ای صریح می‌فرماید:

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ» (سوره اسراء، آیه ۳۴).

این آیه، نه تنها مال یتیم را محفوظ اعلام می‌کند، بلکه نگرهبانی از آن تا بلوغ را وظیفه‌ای مقدس قرار می‌دهد. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «نگرهبانی از مال یتیم، تنها یک توصیه نیست، بلکه یک تکلیف شرعی است که هر تجاوزی به آن، جرمی بزرگ محسوب می‌شود» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۳۷۶).

در روایات نیز امام صادق (ع) فرموده‌اند:

«مَنْ وَلِيَ يَتِيمًا فَهُوَ ضَامِنٌ لِحَقُوقِهِ كَمَا يَضْمَنُ حَقُوقَ نَفْسِهِ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۹).

این حدیث نشان می‌دهد که سرپرست یتیم، نه تنها مسئول مدیریت مال اوست، بلکه ضامن تمام حقوق شرعی و حقوقی یتیم محسوب می‌شود.

دو. دفاع از یتیم در برابر ستم

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر هشدار می‌دهد:

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» (سوره نساء، آیه ۱۰).

این آیه، ستم بر یتیم، به‌ویژه در ابعاد مالی، را با عذاب الهی همراه می‌داند. اما دفاع از یتیم محدود به مال نیست. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید:

«فَانْظُرْ فِي أُمُورِ الْيَتَامَى... فَإِنَّهُمْ لَا يَدْفَعُونَ ظُلْمًا، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ دَفْعَ الظَّيْمِ»

(نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۱۱۲).

این سخن، نشان می‌دهد که یتیم به دلیل ضعف و ناتوانی، نیازمند حامی و دفاع کننده‌ای قوی است. بنابراین، دفاع از او در برابر هرگونه ستم، چه مالی، چه اجتماعی، چه روانی، از وظایف جامعه و حاکم اسلامی است.

در روایات، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

«مَنْ ظَلَمَ يَتِيمًا أَوْ ضَيَّعَ حَقَّهُ، فَأَنَا خَصْمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۴).

این حدیث، جدیت دین اسلام در دفاع از حقوق یتیم را به وضوح بیان می‌کند: پیامبر (ص) خود را خصم روز قیامت هر ستمگری می‌داند که حق یتیم را ضایع کند.

سه. انجام عدالت در حق یتیم

عدالت در اسلام، یکی از اصول بنیادین است. قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» (نحل، آیه ۹۰).

در این آیه، «الْعَدْلُ» پیش از «الْإِحْسَانُ» آمده است، که نشان‌دهنده اولویت حقوق شرعی و قانونی بر کمک‌های خیریه است. یتیم نیز مشمول این عدالت است.

فقها شیعه تصریح کرده‌اند که هیچ فردی، حتی والدین یا سرپرست، نمی‌تواند حقوق یتیم را نادیده بگیرد. علامه حلی در جواهر الکلام می‌نویسد:

«يَجِبُ عَلَى الْوَلِيِّ أَنْ يُحَافِظَ عَلَى حُقُوقِ الْيَتِيمِ كَمَا يُحَافِظُ عَلَى حُقُوقِ نَفْسِهِ، وَلَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يُؤَخَّرَ فِي إعْطَائِهِ حَقَّهُ أَوْ يَمْنَعَهُ مِنْهُ» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۵۹).

همچنین، امام خمینی در تحریر الوسیله تأکید می‌کند:

«عَلَى الْحَاكِمِ الشَّرْعِيِّ أَنْ يَنْظُرَ فِي أُمُورِ الْيَتَامَى وَيَدْفَعَ ظُلْمَ الْأَغْنِيَاءِ عَنْهُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَهَمِّ وَظَائِفِ الْحُكْمِ» (خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۲۵).

این دیدگاه، نشان‌دهنده مسئولیت حاکم اسلامی در اجرای عدالت در حق یتیمان است.

در یک جمع‌بندی: بُعد حقوقی یتیم‌نوازی در اسلام، بر سه اصل استوار است:

۱. نگهبانی از حقوق یتیم به‌عنوان یک تکلیف شرعی،

۲. دفاع از او در برابر هرگونه ستم، با تهدید به مخالفت پیامبر (ص) در روز قیامت،

۳. اجرای عدالت در تمامی ابعاد زندگی‌اش، حتی در برابر افراد نزدیک یا قدرتمند.

این اصول نشان می‌دهند که اسلام، یتیم را فردی ضعیف و بی‌صدا نمی‌داند، بلکه صاحب حقوقی مقدس می‌شمارد که دفاع از آن، نه‌تنها فضیلت، بلکه وظیفه‌ای دینی و اجتماعی است. این رویکرد حقوق‌محور، می‌تواند الگویی برای نظام‌های حقوقی معاصر در حمایت از کودکان آسیب‌پذیر باشد.

نتیجه‌گیری

یتیم‌نوازی در دین اسلام، فراتر از یک فضیلت اخلاقی یا کمک‌های خیریه‌ای سطحی، یک سیستم جامع حمایتی است که در منابع اصلی دین — یعنی قرآن کریم و روایات معصومین (ع) — با دقت و ظرافت فراوانی تبیین شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر شیعه، نشان داد که یتیم‌نوازی در اسلام پنج بُعد اساسی دارد: مالی، روانی، آموزشی، اجتماعی و حقوقی.

در بُعد مالی، اسلام نه تنها پرداخت نفقه و حفظ مال یتیم را واجب دانسته، بلکه سوءاستفاده از دارایی‌های او را با هشدارهای شدید الهی همراه کرده است. در بُعد روانی، توجه عاطفی، مسح سر، گفت‌وگوی دوستانه و پرهیز از هرگونه تحقیر، به‌عنوان ابزارهایی برای تقویت عزت‌نفس و امنیت روانی یتیم معرفی شده‌اند. در بُعد آموزشی، آموزش دینی و دنیوی، تشویق به یادگیری و حمایت از تحصیل، نه تنها حق یتیم، بلکه وظیفه سرپرست و جامعه محسوب می‌شود. در بُعد اجتماعی، جلب احترام جامعه، جلوگیری از انزوا و ایجاد فرصت‌های مشارکت، یتیم را از حاشیه به مرکز جامعه بازمی‌گرداند. و در نهایت، در بُعد حقوقی، نگهبانی از حقوق یتیم، دفاع از او در برابر ستم و اجرای عدالت، به‌عنوان یک تکلیف شرعی و اجتماعی بر عهده همگان — از فرد تا حاکم — قرار گرفته است.

این چارچوب پنج‌گانه، نشان‌دهنده دیدگاه جامع و پیشگامانه اسلام در قبال کودکان آسیب‌پذیر است؛ دیدگاهی که یتیم را نه به‌عنوان باری بر دوش جامعه، بلکه به‌عنوان فردی با کرامت انسانی، حق طلب و بالقوه مؤثر می‌شناسد. از این رو، یتیم‌نوازی در اسلام، هدف نهایی‌اش «اصلاح حال یتیم» (قرآن، بقره: ۲۲۰) است — یعنی رشدی جامع که او را به فردی سالم، آگاه، مؤمن و مسئولیت‌پذیر در جامعه تبدیل کند.

در دنیای امروز که کودکان یتیم در بسیاری از جوامع با چالش‌های اقتصادی، روانی و اجتماعی روبه‌رو هستند، بازگشت به این چارچوب دینی می‌تواند الگویی کارآمد برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و حقوقی فراهم آورد. پیشنهاد می‌شود مراکز خیریه، نهادهای آموزشی، دستگاه‌های قضایی و برنامه‌ریزان اجتماعی، با الهام از این دیدگاه جامع، برنامه‌هایی چندبُعدی برای حمایت از یتیمان طراحی کنند تا یتیم‌نوازی، از حد یک عمل فردی و موقت، به یک سیاست جامع جامعه‌محور تبدیل شود.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. امام خمینی، روح الله. تحریر الوسیله. ج ۲. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۶ق.
۲. رضایی، محمد. حقوق یتیم در فقه اسلامی. ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۰ش.
۳. صبحی صالح (ویراستار). نهج البلاغه. بیروت: دارالسلام، ۱۴۱۴ق.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه. ج ۱۵. قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۱۹. قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۷. مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار. ج ۱ و ج ۶۲. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. ج ۱۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۹. مصطفوی، علی. یتیم‌نوازی در قرآن و سنت. ج ۱. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۸ش.
۱۰. نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام. ج ۳۱. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۱ق.